

## تحلیل تمایزات ورود ثالث اصلی و ورود ثالث تبعی در آیین دادرسی مدنی

فاطمه درویش<sup>۱</sup>

داود سلطانیان<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۳/۲۸

### چکیده

دعوای ورود ثالث یکی از انواع دعوای طاری در حقوق ایران است که طی آن شخص ثالث بدون دعوت از طرفین دعوای اصلی وارد پرونده می‌شود و برای خود یا به نفع یکی از طرفین حقی را مطالبه می‌کند. در ادبیات آیین دادرسی مدنی، ورود اشخاص ثالث به دعوا به عنوان ابزاری برای تضمین رسیدگی کامل، جلوگیری از تعارض آراء و تحقق ساختار ایده‌آل دعوا شناخته می‌شود. بیان مسئله این است که با ورود ثالث، وضعیت حقوقی طرفین و روند دادرسی تغییر می‌کند و ضرورت شناخت دقیق انواع و آثار ورود ثالث احساس می‌شود. هدف این مقاله بررسی مفاهیم، انواع، تفاوت‌ها و شرایط حقوقی ورود ثالث و تحلیل آثار آن در دادرسی‌های مدنی است. روش تحقیق بر پایه تحلیل اسنادی و کتابخانه‌ای، شامل بررسی مواد قانونی، مقالات و منابع معتبر حقوقی مانند آیین دادرسی مدنی و مقالات آقایان احمدی و پوریانی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که ورود ثالث نقش کلیدی در صیانت از حقوق طرفین و اشخاص ثالث دارد و تفاوت‌های ورود ثالث اصلی و تبعی، از جمله در حقوق و تکالیف، استرداد دعوا، صدور حکم و مسئولیت خسارات دادرسی، اهمیت عملی و حقوقی ویژه‌ای دارد. شناخت دقیق این مفاهیم می‌تواند از تضییع حقوق و تبانی احتمالی جلوگیری کند و دادرسی عادلانه‌تری فراهم آورد.

### واژگان کلیدی

دعوا، ورود ثالث، دعوای طاری، ورود ثالث اصلی، ورود ثالث تبعی، دادرسی

۱. گروه حقوق، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

## مقدمه

دخالت شخص ثالث در دعوای بین دو طرف، در نظام حقوقی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نقش بسزایی در تأمین عدالت قضایی و جلوگیری از تضییع حقوق افراد دارد. در نظام‌های پیشرفته آیین دادرسی، حضور اشخاص ذی‌نفع خارج از دعوای اصلی نه تنها مجاز، بلکه برای تحقق کارآمدی دادرسی ضروری تلقی می‌شود (Friedenthal, Kane, & Miller, 2015). ورود ثالث به معنای حضور شخصی است که در دعوای اصلی نقشی ندارد اما به موجب قانون و شرایط خاص می‌تواند در پرونده وارد شده و حقوق خود را یا ذی‌نفع بودن خود را در جریان دادرسی اعمال کند. مطابق ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی، هرگاه شخص ثالثی در موضوع دعوای اصلی برای خود حق مستقلی قائل باشد یا خود را در حق یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند تا زمان اعلام ختم دادرسی وارد دعوا شود و دادخواست خود را به دادگاهی که دعوا در آن جریان دارد تقدیم کند (آیین دادرسی مدنی، ۱۳۹۲: ماده ۱۳۰).

جایگاه ورود ثالث در نظام آیین دادرسی مدنی ایران به گونه‌ای است که آن را به عنوان یک ابزار حقوقی مؤثر برای حفظ حقوق افراد و جلوگیری از تضییع آن‌ها معرفی می‌کند. ورود ثالث، برخلاف اعتراض ثالث که پس از صدور حکم مطرح می‌شود و از طرق فوق‌العاده شکایت محسوب می‌شود، قبل از صدور رای قطعی قابل طرح است و امکان دارد جریان دادرسی را تحت تأثیر قرار دهد (شمس، ۱۴۰۰: ص ۲۳۴). این مسأله به ویژه در دعاوی پیچیده و پرونده‌هایی که چندین ذی‌نفع دارند اهمیت پیدا می‌کند، زیرا ورود ثالث می‌تواند از تضییع حقوق جلوگیری کرده و عدالت قضایی را تقویت کند. مروری بر اهمیت موضوع در دادرسی‌ها نشان می‌دهد که ورود ثالث، علاوه بر نقش قانونی، دارای کاربرد عملی گسترده‌ای در پرونده‌های واقعی است. بسیاری از دعاوی ملکی، خلع ید، مطالبه وجه یا دعاوی مربوط به حقوق قراردادهای، نمونه‌هایی هستند که در آن‌ها شخص ثالث با ورود به دعوا از تضییع حق خود یا ذی‌نفع شدن در حق دیگری جلوگیری می‌کند (احمدی، ۱۳۹۵: ص ۱۲۸). این ویژگی باعث شده است که ورود ثالث به یکی از مهم‌ترین ابزارهای حقوقی برای تضمین عدالت در دعاوی مدنی تبدیل شود.

بیان اهداف و ضرورت تحقیق نیز بر اهمیت بررسی دقیق ورود ثالث تأکید دارد. هدف این پژوهش، تحلیل مفهوم ورود ثالث، بررسی جایگاه قانونی و عملی آن و شناخت تأثیر آن بر جریان دادرسی و حقوق طرفین است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، سعی دارد ضمن ارائه تعریفی روشن از ورود ثالث، مبانی قانونی و دکترین حقوقی مرتبط را مورد بررسی قرار دهد و کاربردهای عملی آن را در پرونده‌های واقعی تحلیل نماید (شمس، ۱۴۰۰: ص ۲۳۵).

## مفهوم دعوای ورود ثالث

دعوای ورود ثالث به معنای دخالت شخصی است که خارج از دعوای اصلی قرار دارد، اما به موجب قانون یا به دلیل ذی‌نفع بودن می‌تواند در جریان دادرسی وارد شود و حقوق خود را یا حقوق ذی‌نفعی را پیگیری کند. این مفهوم در حقوق تطبیقی تحت عناوینی چون Joinder of Parties و Intervention شناخته می‌شود و شرط اصلی آن، وجود نفع حقوقی قابل تأثیر از نتیجه دعواست (Hazard et al., 2021). مطابق ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی، «هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی دعوای اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد یا خود را در حق یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند تا پیش از اعلام ختم دادرسی وارد دعوا گردد، چه در مرحله بدوی و چه در مرحله تجدیدنظر» (آیین دادرسی مدنی، ۱۳۹۲: ص ۱۳۹۲).

ماده ۱۳۰). این تعریف قانونی، مبنای اصلی تعیین جایگاه ورود ثالث در نظام قضایی ایران است و بر اهمیت زمان ورود ثالث پیش از صدور رای قطعی تأکید دارد.

در این چارچوب، شخصی که دعوای ورود ثالث را مطرح می‌کند، «وارد ثالث» نامیده می‌شود و طرفین دعوای اصلی که خوانده ورود ثالث هستند، «مورودین ثالث» خوانده می‌شوند. وارد ثالث به عنوان «مهمان ناخوانده» در پرونده ظاهر می‌شود و بدون دعوت طرفین اصلی، می‌تواند با حضور و مداخله قانونی خود، جریان دادرسی را تحت تأثیر قرار دهد. این حضور قانونی و رسمی، تضمین‌کننده حقوق افراد ثالث و جلوگیری از تضییع آن‌هاست.

تمایز ورود ثالث از اعتراض ثالث نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. اعتراض ثالث بعد از صدور رای و به عنوان یکی از طرق فوق‌العاده شکایت مطرح می‌شود و ماهیتی متفاوت با ورود ثالث دارد. در حالی که اعتراض ثالث پس از صدور حکم، جهت مقابله با تبانی یا اشتباه دادگاه صورت می‌گیرد، ورود ثالث قبل از صدور رای قطعی و در جریان دادرسی اصلی انجام می‌شود (شمس، ۱۴۰۰: ص ۲۳۴). این تفاوت زمانی و ماهوی، ورود ثالث را به ابزاری فعال برای دفاع از حقوق و جلوگیری از تضییع آن‌ها تبدیل کرده است.

اهمیت ورود ثالث در تحقق عدالت و حفظ حقوق طرفین نیز غیرقابل انکار است. ورود شخص ثالث می‌تواند از تضییع حقوق خود یا دیگر ذی‌نفعان جلوگیری کند و همچنین مانع تبانی احتمالی طرفین دعوای اصلی شود. به عنوان مثال، در دعوای ملکی یا خلع ید، حضور وارد ثالث می‌تواند از تضییع حقوق مالکیت جلوگیری کند و تضمین‌کننده اجرای عدالت قضایی باشد (احمدی، ۱۳۹۵: ص ۲۲۱؛ پیشین، ۱۴۰۰: ص ۲۳۵)؛ بنابراین، ورود ثالث نه تنها حقوق فرد ثالث را تأمین می‌کند، بلکه به عنوان ابزار قانونی برای حمایت از عدالت و حقوق طرفین اصلی دعوای نیز عمل می‌کند.

با توجه به مروری که بر مفهوم و اهمیت دعوای ورود ثالث داشتیم، روشن می‌شود که این نهاد حقوقی نقش کلیدی در تضمین عدالت دارد. ورود ثالث به افراد این امکان را می‌دهد که پیش از صدور حکم قطعی، از حقوق خود یا حقوق دیگر ذی‌نفعان دفاع کنند و از تضییع احتمالی آن جلوگیری نمایند. این حضور قانونی، نه تنها از حق شخص ثالث حمایت می‌کند، بلکه می‌تواند به جلوگیری از تبانی یا اشتباه احتمالی طرفین اصلی کمک کند. همچنین، ورود ثالث می‌تواند مانع صدور آرای متعارض شود و فرآیند دادرسی را از پیچیدگی‌های بعدی محافظت کند. به این ترتیب، نقش آن در ایجاد تعادل بین منافع طرفین دعوای و ذی‌نفعان دیگر کاملاً مشهود است. از سوی دیگر، قانون‌گذار با تعیین شرایط مشخص برای ورود ثالث، نظیر تعیین زمان ورود، مرجع صالح و نحوه طرح دعوا، از سوءاستفاده احتمالی جلوگیری کرده است. همچنین، تمایز ورود ثالث از اعتراض ثالث اهمیت بسیاری دارد، زیرا ماهیت، زمان و آثار حقوقی این دو نهاد متفاوت است. تجربه قضایی نشان داده است که رعایت مقررات مربوط به ورود ثالث می‌تواند از اطاله دادرسی جلوگیری کند و روند رسیدگی را بهینه نماید. در نهایت، ورود ثالث ابزار مؤثری برای تحقق عدالت قضایی و حمایت از حقوق افراد است و نقشی فراتر از مداخله صرف در دعوای اصلی دارد. با توجه به اهمیت ورود ثالث، نقش و تأثیر آن در دعوای ملکی، خلع ید و دعوای مالی به وضوح دیده می‌شود. در بسیاری از موارد، بدون حضور شخص ثالث، ممکن است حقوق واقعی برخی ذی‌نفعان نادیده گرفته شود و حکم صادره ناقص یا ناعادلانه باشد. ورود ثالث همچنین به عنوان مکانیزمی پیشگیرانه عمل می‌کند و مانع از تضییع حقوق

افراد قبل از رسیدگی نهایی می‌شود. علاوه بر این، حضور وارد ثالث موجب شفافیت و دقت بیشتر در رسیدگی به پرونده‌ها می‌شود و قضات را قادر می‌سازد تا با دسترسی به اطلاعات و مدارک کامل‌تر، تصمیم‌گیری صحیح‌تری داشته باشند. در عمل، ورود ثالث می‌تواند از بروز اختلافات حقوقی بعدی جلوگیری کند و فرآیند اجرای احکام را تسهیل نماید. همچنین، قانونگذار با مشخص کردن زمان ورود و مرجع صالح، اطمینان حاصل کرده است که ورود ثالث تأثیری منفی بر سرعت دادرسی نداشته باشد. این نهاد، ضمن حمایت از حقوق شخص ثالث، به ارتقای اعتماد عمومی به دستگاه قضایی نیز کمک می‌کند. به طور کلی، ورود ثالث نشان‌دهنده توازن بین حقوق افراد و نیاز به عدالت در رسیدگی‌های مدنی است. با توجه به تجربیات قضایی، بهره‌گیری صحیح از این نهاد می‌تواند کارآمدی و عدالت نظام قضایی را به طرز چشمگیری افزایش دهد.

### انواع دعوای ورود ثالث

دعوای ورود ثالث در نظام حقوقی ایران، بر اساس ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی، به دو نوع اصلی تقسیم می‌شود: ورود ثالث اصلی و ورود ثالث تبعی. این تقسیم‌بندی بر اساس نوع حقوق و میزان استقلال وارد ثالث در دعوای اصلی صورت می‌گیرد و هر کدام ویژگی‌ها و آثار حقوقی خاص خود را دارند.

#### ۱. ورود ثالث اصلی

ورود ثالث اصلی، ماهیتی استقلالی دارد و شخص ثالث در موضوع دعوا برای خود حق مستقلی قائل است. به این معنا که وارد ثالث اصلی مدعی می‌شود که هیچ یک از طرفین دعوای اصلی نسبت به موضوع دعوا حق ندارند و موضوع دعوا تماماً یا قسمتی از آن متعلق به اوست. این نوع ورود ثالث، خواهان مستقل محسوب می‌شود و تمامی حقوق و تکالیف یک خواهان عادی بر او بار می‌شود؛ از جمله حق درخواست تأمین خواسته، دستور موقت، تغییر یا افزایش خواسته و مطرح کردن دعوای اضافی.

مثال کاربردی: آقای الف دعوای استرداد یک خودرو سوناتا علیه آقای ب مطرح می‌کند. شخص ج با ادعای مالکیت خودرو، دعوای ورود ثالث اصلی را طرح می‌کند و خواستار صدور حکم بر بی‌حقی خواهان اصلی و صدور حکم به نفع خود می‌شود (احمدی، ۱۳۹۵: ص ۲۲۱). در این مثال، وارد ثالث اصلی دارای حق مستقل است و رای دادگاه می‌تواند مستقیماً به نفع یا ضرر او صادر شود.

#### ۲. ورود ثالث تبعی

در مقابل، ورود ثالث تبعی ماهیتی وابسته و تبعی دارد. وارد ثالث تبعی برای خود حق مستقلی ندارد، بلکه خود را در ذی‌حق شدن یا موفقیت یکی از طرفین دعوای اصلی ذی‌نفع می‌داند. هدف از این نوع ورود، تقویت موضع یکی از طرفین دعوای اصلی است تا حقوق خود در نتیجه پیروزی طرف مورد حمایت حفظ شود. این ورود به عنوان «ورود استحقاقی» نیز شناخته می‌شود، زیرا مانع تبانی طرفین علیه حقوق ثالث می‌شود.

مثال کاربردی: آقای الف علیه آقای ب دعوای خلع ید زمین کشاورزی خود را مطرح می‌کند و شخص ج که حق عبور از زمین آقای الف را دارد، دعوای ورود ثالث تبعی را طرح می‌کند تا با موفقیت آقای الف، حق عبور خود را حفظ کند.

(شمس، ۱۴۰۰: ص ۲۳۵). در این حالت، وارد ثالث تبعی حق مستقلی ندارد و رای دادگاه فقط نسبت به طرفین اصلی صادر می‌شود، نه به نفع یا ضرر ثالث تبعی.

### تحلیل حقوقی و عملی

تحلیل حقوقی ورود ثالث نشان می‌دهد که استقلال یا تبعی بودن حقوق وارد ثالث، تأثیر مستقیم بر آثار دادرسی و امکان استرداد، اعتراض و دریافت خسارت دارد. ورود ثالث اصلی دارای حق مستقل است و در صورت محکومیت، وارد ثالث مسئول پرداخت خسارت به طرف پیروز می‌شود یا می‌تواند خسارت خود را از طرف محکوم مطالبه کند. در مقابل، ورود ثالث تبعی محدود به وضعیت طرفی است که برای تقویت آن وارد شده و هیچ حقی مستقل برای اعتراض یا دریافت خسارت ندارد، مگر در شرایط خاص ذی‌نفع بودن تبعی (احمدی، ۱۳۹۵: ص ۱۲۹).

از نظر عملی، تمایز این دو نوع ورود ثالث در جریان پرونده‌های واقعی اهمیت بالایی دارد، زیرا نحوه رسیدگی، اعلام ختم دادرسی و تأثیر رای بر وارد ثالث متفاوت است. شناخت این تفاوت‌ها به وکلا و قضات کمک می‌کند تا ضمن رعایت قوانین، حقوق طرفین و ثالث را به دقت حفظ کنند و از تضییع عدالت جلوگیری شود (شمس، ۱۴۰۰: ص ۲۳۶).

با توجه به تفاوت‌های ماهوی بین ورود ثالث اصلی و تبعی، می‌توان گفت که انتخاب نوع ورود ثالث اثر مستقیم بر روند دادرسی و آثار حقوقی آن دارد. ورود ثالث اصلی، با حق مستقل خود، امکان دفاع مستقیم و مطالبه حقوق را فراهم می‌کند و رای دادگاه می‌تواند مستقیماً به نفع یا ضرر او صادر شود. در مقابل، ورود ثالث تبعی بیشتر جنبه حمایتی دارد و حضور او به عنوان تضمین‌کننده حقوق ذی‌نفع در یکی از طرفین دعوا عمل می‌کند. از منظر عملی، وکلا و قضات باید با تشخیص دهند که ورود ثالث از کدام نوع است تا ضمن رعایت مقررات قانونی، از تضییع حقوق افراد جلوگیری شود. همچنین، شناخت دقیق این تمایز باعث می‌شود که اقداماتی مانند صدور دستور موقت، تأمین خواسته یا تغییر و افزایش خواسته به درستی اعمال گردد. تجربه قضایی نشان می‌دهد که عدم توجه به این تفاوت‌ها می‌تواند موجب بروز اختلافات بعدی و اطاله دادرسی شود. به علاوه، تحلیل حقوقی این دو نوع ورود ثالث نشان می‌دهد که استقلال یا تبعی بودن حق، نقش تعیین‌کننده‌ای در امکان اعتراض، استرداد یا مطالبه خسارت دارد؛ بنابراین، قانونگذار با پیش‌بینی دو نوع ورود ثالث، بستری مناسب برای حمایت از حقوق اشخاص ثالث و طرفین اصلی فراهم کرده است. در نهایت، رعایت دقیق مقررات و تحلیل صحیح نوع ورود ثالث، هم عدالت قضایی را تقویت می‌کند و هم از تضییع حقوق ذی‌نفعان جلوگیری می‌نماید.

### تفاوت‌های ورود ثالث اصلی و تبعی

ورود ثالث در نظام حقوقی ایران می‌تواند به دو شکل اصلی و تبعی صورت گیرد که هر کدام ویژگی‌ها و آثار حقوقی متفاوتی دارند. نه تفاوت کلیدی بین ورود ثالث اصلی و تبعی:

۱. در ورود ثالث اصلی، شخص ثالث برای خودش حقی مستقل نسبت به موضوع دعوای اصلی قائل است اما در ورود ثالث تبعی، شخص ثالث حق مستقلی را مطالبه نمی‌نماید، بلکه خودش را در ذی حق و پیروز شدن یکی از طرفین دعوای اصلی ذینفع می‌داند.

۲. وارد ثالث اصلی، خواهان محسوب می‌شود و تمام حقوق و تکالیف خواهان در دادرسی برای او بار می‌شود؛ مثلاً می‌تواند تقاضای تأمین خواسته و دستور موقت کند و دعوای اضافی مطرح کند. افزایش خواسته یا تغییر خواسته باشد و

غیره. خوانندگان دعوی ورود ثالث اصلی نیز می توانند علیه وارد ثالث اصلی، دعوی تقابل مطرح کنند؛ اما وارد ثالث تبعی، تابع وضعیت طرفی است که جهت تقویت موضع او وارد شده است؛ آن هم به صورت غیر مستقیم و وابسته (احمدی، ۱۳۹۵: ص ۲۲۲)؛ مثلاً اگر وارد ثالث تبعی جهت تقویت موضع خواهان دعوی اصلی وارد شده باشد، اگرچه همانند او خواهان محسوب می شود اما یک خواهان غیر مستقیم و غیر مستقل است. همچنین اگر وارد ثالث تبعی جهت تقویت موضع خواننده دعوی اصلی وارد شده باشد همانند او یک خواننده محسوب می شود اما یک خواننده غیر مستقیم و غیر مستقل. نتیجه چنین چیزی این است که دیگر تمام حقوق و تکالیف یک خواهان و خواننده مستقیم و مستقل بر وارد ثالث تبعی بار نمی شود؛ مثلاً نمی تواند درخواست تامین خواسته یا دستور موقت داشته باشد. نمی تواند دعوی اضافی مطرح کند. همچنین علیه او نمی توان دعوی تقابل مطرح کرد و خودش هم در صورتی که جهت تقویت موضع خواننده وارد شده باشد نمی تواند علیه خواهان دعوی اصلی، دعوی تقابل مطرح کند.

۳. دادخواست دعوی ورود ثالث اصلی همانند دعوی اصلی دارای خواسته مستقل است؛ اما دادخواست ورود ثالث تبعی، خواسته ای ندارد فقط در قسمت ستون خواسته نوشته میشود ورود ثالث در پرونده کلاسه... (شمس، ۱۴۰۰: ص ۲۳۶).

۴. در صورتی که شرایط اختصاصی دعوی ورود ثالث اصلی وجود نداشته باشد دادگاه آنرا از دعوی اصلی تفکیک و در صورت دارا بودن صلاحیت ذاتی و محلی به صورت جداگانه رسیدگی می کند و در غیر اینصورت قرار عدم صلاحیت صادر می کند؛ اما در ورود ثالث تبعی چنانچه شرایط اختصاصی آن وجود نداشته باشد دادگاه آنرا از دعوی اصلی تفکیک نمی کند بلکه مستقیماً قرار رد دعوا را صادر می نماید (احمدی، ۱۳۹۵: ص ۲۲۳).

۵. زوال دعوی اصلی در نتیجه استرداد دعوا یا صدور قرارهای قاطعی مثل قرار رد دعوا، قرار عدم استماع و غیره اصولاً تاثیری در دعوی ورود ثالث اصلی ندارد اما در مورد ورود ثالث تبعی زوال دعوی اصلی باعث زوال آن نیز می شود.

۶. استرداد دعوی ورود ثالث اصلی توسط وارد ثالث تابع شرایط و مواعد ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی است. ماده ۱۰۷ می گوید استرداد دعوا تا قبل از مقطع ختم دادرسی امکانپذیر است منتها تا قبل از مقطع ختم مذاکرات، استرداد دعوا نیاز به رضایت خواننده ندارد و دادگاه نسبت به آن قرار رد دعوا صادر می کند اما پس از مقطع ختم مذاکرات استرداد دعوا صرفاً با جلب رضایت خواننده منتهی به صدور قرار رد دعوا می شود و چنانچه رضایت خواننده جلب نشود دادگاه توجهی به استرداد نمی کند و رسیدگی را ادامه می دهد. در حالی که استرداد دعوی ورود ثالث تبعی مشمول شرایط و مواعد فوق نیست و وارد ثالث می تواند بدون هیچگونه شرطی تا قبل از ختم دادرسی آنرا استرداد کند (شمس، ۱۴۰۰: ص ۲۳۷).

۷. پس از رسیدگی توانان به دعوی اصلی و دعوی ورود ثالث چنانچه دادگاه بخواهد حکمی صادر کند این حکم له یا علیه وارد ثالث اصلی و طرفین دعوی اصلی صادر می گردد. حکم مذکور در صورتی که به ضرر وارد ثالث باشد مطابق مقررات عمومی قانون این دادرسی مدنی قابل اعتراض است اما در مورد ورود ثالث تبعی، دادگاه حکمی له یا علیه وارد ثالث تبعی صادر نمی کند بلکه حکم خود را صرفاً له یا علیه طرفین دعوی اصلی صادر می کند. حکم مذکور توسط وارد ثالث تبعی قابل اعتراض نیست (احمدی، ۱۳۹۵: ص ۲۲۴).

۸. در خصوص خسارت دادرسی دعوای ورود ثالث، اصلی چنانچه وارد ثالث در دعوا پیروز شود می تواند خسارات دادرسی خود را از خواننده دعوای اصلی بگیرد. خواهان دعوای اصلی مسئولیتی در برابر او از این جهت ندارد. اگر وارد ثالث اصلی محکوم شود باید خسارت دادرسی شخصی را که حکم به نفع او صادر شده پرداخت کند. در خصوص خسارت دادرسی دعوای ورود ثالث تبعی چنانچه کسی که وارد ثالث جهت تقویت موضع او وارد شده در دعوای اصلی پیروز شود، وارد ثالث می تواند خسارت دادرسی خود را از شخص محکوم دعوای اصلی دریافت کند اما اگر شخصی که وارد ثالث جهت تقویت موضع او وارد شده، در دعوای اصلی محکوم شود همین شخص باید خسارت دادرسی طرف مقابل خود را نسبت به دفاع در قبال دعوای ورود ثالث پرداخت کند و وارد ثالث از این جهت مسئولیتی ندارد.

۹. در دعوای ورود ثالث اصلی، نفع وارد ثالث به عنوان خواهان دعوا باید بوجود آمده و محقق باشد (معلق، مشروط و موجب نباشد) اما در دعوای ورود ثالث تبعی، نفع وارد ثالث نیازی نیست که محقق باشد بلکه می تواند بوجود آمده و محتمل باشد؛ مثلاً اگر نفع وارد ثالث به صورت معلق باشد و هنوز معلق علیه ایجاد نشده باشد همین مقدار نفع برای طرح دعوای ورود ثالث تبعی کفایت می کند.

بررسی تفاوت‌های فوق نشان می‌دهد که ورود ثالث اصلی و تبعی، هرچند در ظاهر مشابه‌اند، اما از حیث آثار حقوقی، جایگاه طرفین و نتایج دادرسی تفاوت‌های بنیادین دارند. در ورود ثالث اصلی، دعوا جنبه استقلالی دارد و وارد ثالث همانند یک خواهان واقعی در فرایند رسیدگی شناخته می‌شود، در حالی که در ورود ثالث تبعی، نقش ثالث بیشتر حمایتی است و به نوعی در حاشیه دعوای اصلی قرار می‌گیرد. این تفاوت‌ها اهمیت بسیاری در عمل دارند، زیرا قاضی باید با توجه به ماهیت دعوا و ادعای ثالث، مسیر رسیدگی را تعیین کند. همچنین، از منظر وکلا، شناخت صحیح این تمایز به تدوین استراتژی دفاعی و انتخاب اقدامات حقوقی مناسب کمک می‌کند. تجربه‌های عملی نشان داده‌اند که اشتباه در تشخیص نوع ورود ثالث می‌تواند منجر به رد دعوا، تضییع وقت یا حتی صدور آرای متعارض شود؛ بنابراین، دقت در طرح دادخواست، ذکر صحیح خواسته و تعیین جایگاه قانونی ثالث، از الزامات اساسی برای موفقیت در این حوزه است. افزون بر این، این تمایز در تحقق عدالت و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی نقش تعیین‌کننده دارد. در نهایت، می‌توان گفت که ورود ثالث اصلی، ابزاری برای مطالبه مستقیم حق است و ورود ثالث تبعی، ابزاری برای صیانت غیرمستقیم از منافع بالقوه یا وابسته به طرفین اصلی دعوا.

از نظر نظری و عملی، تمایز بین این دو نوع ورود ثالث نه تنها در ساختار آیین دادرسی، بلکه در تحقق اصول بنیادین عدالت نیز اهمیت دارد. ورود ثالث اصلی، با اعطای جایگاه مستقل به شخص ثالث، از حقوق واقعی او پاسداری می‌کند و مانع صدور حکمی می‌شود که بدون حضور او صادر شده و ممکن است ناعادلانه باشد. در مقابل، ورود ثالث تبعی بیشتر برای تضمین حقوق احتمالی و جلوگیری از زیان‌های غیرمستقیم پیش‌بینی شده است. این تمایز سبب می‌شود که نظام دادرسی بتواند هم به حقوق قطعی اشخاص توجه کند و هم منافع بالقوه و جانبی آنان را نادیده نگیرد. در عمل، دادگاه‌ها موظف‌اند با بررسی دقیق ادعای ثالث، تشخیص دهند که ورود وی در کدام دسته قرار می‌گیرد تا حقوق او و طرفین اصلی به درستی تضمین شود. علاوه بر این، این تمایز بر رویه و رفتار اصحاب دعوا نیز اثرگذار است؛ چراکه طرفین دعوای اصلی در برابر

ورود ثالث اصلی معمولاً با شدت بیشتری دفاع می‌کنند، در حالی که ورود ثالث تبعی غالباً به‌عنوان یک پشتیبان برای یکی از آنان تلقی می‌شود. از منظر حقوق تطبیقی نیز، چنین تمایزی در بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر وجود دارد و نشان‌دهنده اهمیت جهانی این موضوع در تضمین عدالت و کارآمدی نظام دادرسی است. در نهایت، آگاهی دقیق از این تفاوت‌ها، هم برای قضات و هم برای وکلا ضروری است تا از بروز اشتباهات و تعارضات قضایی جلوگیری شود.

این تفاوت‌ها تأثیر مستقیم بر نحوه رسیدگی، حفظ حقوق طرفین و اعمال عدالت دارد. به‌عنوان مثال، استقلال حقوقی ورود ثالث اصلی به او امکان می‌دهد تا مستقیماً در جریان دادرسی اثرگذار باشد و از حقوق خود دفاع کند، در حالی که ورود ثالث تبعی بیشتر به عنوان ابزار تقویت حقوق طرف دیگر عمل می‌کند. همچنین، تفاوت در قابلیت استرداد و اعتراض، بر استراتژی‌های وکلا و تصمیمات قضات در جریان پرونده تأثیر می‌گذارد (شمس، ۱۴۰۰: ص ۲۳۸).

شناخت دقیق این تفاوت‌ها برای وکلا، قضات و پژوهشگران حقوقی اهمیت دارد، زیرا تعیین نوع ورود ثالث، آثار حقوقی و عملی آن را مشخص می‌کند و ضمن تعیین کننده نفع حقوقی در جایگاه شخص در دادرسی از تضییع عدالت جلوگیری می‌کند (Friedenthal et al., 2015; Hazard et al., 2021).

### شرایط و آیین دادرسی ورود ثالث

ورود شخص ثالث به دعوای اصلی در نظام حقوقی ایران دارای شرایط و قواعد مشخصی است که هدف آن تضمین عدالت و حفظ حقوق طرفین دعواست. این شرایط را می‌توان به شرایط عمومی و شرایط اختصاصی تقسیم کرد و هر یک آثار عملی خاصی در جریان دادرسی دارد (احمدی، ۱۳۹۵: ص ۲۲۵).

#### ۱. شرایط عمومی ورود ثالث

الف) وجود نفع: وارد ثالث باید نفع حقوقی واقعی یا محتمل نسبت به موضوع دعوا داشته باشد. در ورود ثالث اصلی، نفع باید محقق و موجود باشد، اما در ورود ثالث تبعی، نفع می‌تواند بالقوه و محتمل باشد (شمس، ۱۴۰۰: ص ۲۴۰).

ب) اهلیت: شخص ثالث باید دارای اهلیت قانونی برای طرح دعوا باشد، از جمله اهلیت تمتع و اهلیت استیفا (احمدی، ۱۳۹۵: ص ۲۲۶).

ج) ذینفع بودن: وارد ثالث باید به نحوی در نتیجه دعوای اصلی ذی‌نفع باشد، به‌خصوص در ورود ثالث تبعی که نفع او به موفقیت یکی از طرفین بستگی دارد.

#### ۲. شرایط اختصاصی ورود ثالث

الف) تقدیم دادخواست: وارد ثالث باید دادخواست خود را به دادگاهی که دعوای اصلی در آن مطرح است تقدیم و در آن منظور خود را به طور صریح اعلام کند (ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی) (شمس، ۱۴۰۰: ص ۲۴۱).

ب) مطابقت با مواعد قانونی: طرح دعوا باید قبل از اعلام ختم دادرسی مرحله مربوطه صورت گیرد. در غیر این صورت، ورود ثالث پذیرفته نمی‌شود (احمدی، ۱۳۹۵: ص ۲۲۷).

ج) صلاحیت دادگاه: دادگاه مورد نظر باید دارای صلاحیت ذاتی و محلی نسبت به موضوع دعوا باشد. در ورود ثالث اصلی، دادگاه در صورت فقدان صلاحیت، دعوا را تفکیک می‌کند، اما در ورود ثالث تبعی مستقیماً قرار رد صادر می‌شود.

### ۳. آثار ورود ثالث بر روند دادرسی

تمدید رسیدگی: ورود ثالث باعث می‌شود وقت رسیدگی به دعوای اصلی تجدید شود تا طرفین فرصت دفاع داشته باشند (شمس، ۱۴۰۰: ص ۲۴۲).

تغییر وضعیت طرفین: وارد ثالث اصلی به عنوان خواهان مستقل و وارد ثالث تبعی به عنوان خواهان یا خوانده غیرمستقل شناخته می‌شود که بر حقوق و تکالیف آنها اثرگذار است (احمدی، ۱۳۹۵: ص ۲۲۸).

تأثیر بر صدور حکم و اعتراض: حکم صادره می‌تواند مستقیماً علیه یا به نفع وارد ثالث اصلی باشد، اما در ورود ثالث تبعی حکم صرفاً نسبت به طرفین اصلی صادر می‌شود و وارد ثالث تبعی حق اعتراض ندارد.

### ۴. نقش دادگاه در پذیرش یا رد ورود ثالث

دادگاه وظیفه دارد شرایط عمومی و اختصاصی ورود ثالث را بررسی و در صورت احراز، دعوا را پذیرفته و دستور رسیدگی توأمان با دعوای اصلی را صادر کند. در صورت عدم تحقق شرایط، دادگاه قرار رد صادر می‌کند. همچنین، دادگاه موظف است تمام اقدامات لازم برای ابلاغ وقت جلسه دادرسی و فراهم کردن امکان دفاع طرفین را انجام دهد تا عدالت محقق شود (شمس، ۱۴۰۰: ص ۲۴۳).

نکته مهم آن است که رعایت این شرایط نه تنها تضمین کننده حقوق شخص ثالث است، بلکه به دادگاه کمک می‌کند تا از اطاله دادرسی و صدور آرای متعارض جلوگیری کند. به همین دلیل، قانونگذار با محدود کردن زمان ورود ثالث تا قبل از اعلام ختم دادرسی، از بروز مشکلاتی همچون تأخیر در رسیدگی و تضییع حقوق اصحاب دعوا پیشگیری کرده است. در عمل، یکی از چالش‌های جدی در این زمینه، تشخیص «نفع حقوقی» است؛ زیرا گاهی نفع به شکل بالقوه و غیرمستقیم مطرح می‌شود و قاضی باید با دقت، میان نفع واقعی و ادعاهای صوری تمایز قائل شود. علاوه بر این، عدم رعایت شرایط شکلی مانند تقدیم دادخواست یا رعایت صلاحیت دادگاه، موجب صدور قرار رد می‌شود و این مسأله می‌تواند برای اشخاص ثالث مشکلات حقوقی و مالی به دنبال داشته باشد؛ بنابراین، آگاهی و کلای دادگستری از شرایط عمومی و اختصاصی ورود ثالث، نقش مهمی در حفظ حقوق موکلان دارد. از منظر عملی، دادگاه‌ها نیز باید با توجه به اصول دادرسی منصفانه، در رسیدگی به دعوای ورود ثالث حساسیت بیشتری نشان دهند. در نهایت، می‌توان گفت که شرایط ورود ثالث، ستون فقرات این نهاد حقوقی است و رعایت دقیق آن، کارآمدی و عدالت نظام دادرسی را تضمین می‌کند.

## نتیجه گیری

ورود ثالث یکی از ابزارهای کلیدی در نظام آیین دادرسی مدنی ایران است که نقش اساسی در تأمین عدالت قضایی ایفا می‌کند. این سازوکار امکان می‌دهد که افراد ثالثی که نسبت به موضوع دعوا ذی‌نفع هستند، بدون ایجاد تضییع حقوق طرفین اصلی، در جریان دادرسی مشارکت کنند. ورود ثالث به ویژه در مواردی که حقوق فرد ثالث ممکن است در نتیجه تبانی یا قصور طرفین اصلی تضییع شود، اهمیت ویژه‌ای دارد.

### ۱. نقش و اهمیت ورود ثالث در تأمین عدالت قضایی

ورود ثالث با ایجاد فرصت برای دفاع از حقوق بالقوه یا بالفعل شخص ثالث، موجب کاهش نابرابری و تضییع حقوق می‌شود. در ورود ثالث اصلی، شخص ثالث می‌تواند مستقیماً در روند دادرسی شرکت کند و از حقوق مستقل خود دفاع کند، در حالی که ورود ثالث تبعی، با تقویت موضع یکی از طرفین اصلی، از تضییع احتمالی حقوق ثالث جلوگیری می‌کند (شمس، ۱۴۰۰: ص ۲۴۵). به این ترتیب، ورود ثالث به عنوان یک ابزار قضایی، ضمن حمایت از حقوق اشخاص، به تحقق عدالت و ثبات رویه قضایی کمک می‌کند.

### ۲. کاربردهای عملی در پرونده‌های واقعی

مطالعه پرونده‌های قضایی نشان می‌دهد که ورود ثالث در دعاوی ملکی، خانوادگی و تجاری به وفور مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال، در دعاوی خلع ید، ورود ثالث تبعی با هدف حفظ حق عبور یا دسترسی شخص ثالث به ملک، باعث می‌شود که روند دادرسی متوازن باشد و حقوق ذی‌نفعان همه لحاظ شود (احمدی، ۱۳۹۵: ص ۲۳۲). همچنین در دعاوی خانوادگی، ورود ثالث می‌تواند از تضییع حقوق فرزندان یا سایر ذینفعان جلوگیری کند و به شکل مستقیم یا غیرمستقیم، عدالت قضایی را تقویت نماید.

### ۳. چالش‌ها و ابهامات موجود

ابهام در تعیین نفع و ذینفع بودن: تشخیص میزان تحقق نفع یا تبعی بودن آن در برخی پرونده‌ها پیچیده است. تداخل با حقوق طرفین اصلی: ورود ثالث تبعی گاهی می‌تواند باعث طولانی شدن رسیدگی و ایجاد پیچیدگی در جریان دادرسی شود (شمس، ۱۴۰۰: ص ۲۴۶).

محدودیت در اعتراض و استرداد: وارد ثالث تبعی برخلاف ثالث اصلی، حق اعتراض مستقلی ندارد و استرداد دعوا برای او محدودیت‌های قانونی دارد که نیازمند دقت و برنامه‌ریزی حقوقی است.

### ۴. توصیه‌ها و نکات کلیدی برای وکلا و حقوق‌دانان

وکلا باید بدانند که ورود ثالث اصلی یا تبعی است تا حقوق و تکالیف خود و موکلان را به درستی مدیریت کنند. بررسی دقیق نفع شخص ثالث قبل از طرح دعوا، برای جلوگیری از رد دادخواست ضروری است. شناخت آثار ورود ثالث بر جریان دادرسی، شامل امکان استرداد، اعتراض و صدور حکم، برای اتخاذ استراتژی مناسب حیاتی است.

ورود ثالث می‌تواند ابزار مهمی برای جلوگیری از تبانی طرفین دعوا و حفظ حقوق واقعی اشخاص باشد (احمدی، ۱۳۹۵: ص ۲۳۳).

در نهایت، ورود ثالث نه تنها حقوق شخص ثالث را تأمین می‌کند بلکه موجب توازن بین حقوق طرفین اصلی، کاهش تضییع حقوق و ارتقای عدالت قضایی می‌شود. شناخت دقیق مقررات و آثار آن برای قضات، وکلا و پژوهشگران حقوقی، کلیدی برای ارتقای کیفیت تصمیمات قضایی و تضمین حقوق ذی‌نفعان است.

در مجموع، ورود ثالث به‌عنوان یکی از نهادهای مهم آیین دادرسی مدنی، ضمن حمایت از حقوق افراد ثالث، کارکردی پیشگیرانه در جلوگیری از بروز تعارضات بعدی نیز دارد. این نهاد، ابزار قانونی موثری است که به دستگاه قضایی امکان می‌دهد در چارچوب دادرسی منصفانه، از تضییع حقوق اشخاص و ایجاد تبعیض میان طرفین جلوگیری کند. هرچند در عمل با چالش‌هایی همچون اطاله دادرسی، ابهام در تعیین نفع و محدودیت‌های قانونی برای ورود ثالث تبعی مواجه هستیم، اما ظرفیت اصلاحی و کارکردی آن غیرقابل انکار است. توجه به رویه قضایی و تجارب عملی دادگاه‌ها می‌تواند به رفع بسیاری از این ابهامات کمک کند. همچنین، بازنگری قانونگذار در برخی مواد آیین دادرسی مدنی و ارائه دستورالعمل‌های دقیق‌تر می‌تواند به شفاف‌سازی شرایط ورود ثالث یاری رساند. به این ترتیب، ورود ثالث نه تنها سازوکاری برای دفاع از حقوق فردی است، بلکه عاملی برای تقویت اعتماد عمومی به نظام قضایی و ارتقای عدالت اجتماعی محسوب می‌شود؛ بنابراین، توجه علمی و عملی به این نهاد حقوقی، ضرورتی است که می‌تواند به بهبود کارآمدی دادرسی در ایران منجر شود.

### منابع و مأخذ

۱. احمدی، محمد، ۱۳۹۶، شرح جامع آیین دادرسی مدنی، تهران: نشر میزان.
۲. امین، سید حسن، ۱۳۵۳، ورود شخص ثالث، مجله کانون سردفتران، ۲، ۳۵-۴۰.
۳. سلطانیان، داود، ۱۴۰۲، آیین دادرسی مدنی حواشی دادرسی، جلد اول، تهران: انتشارات جنگل.
۴. صفایی، سید حسین، ۱۳۸۹، دعاوی مدنی و آیین دادرسی آن، تهران: دانشگاه تهران.
۵. شمس، عبدالله، ۱۳۹۴، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: نشر دراک.
۶. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، آیین دادرسی مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۷. واحدی، علی، ۱۳۹۲، حقوق دادرسی مدنی، تهران: انتشارات سمت.
۸. السان، مصطفی؛ احمدی، خلیل، ۱۳۹۵، بررسی دعاوی طاری و ورود ثالث، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۷۶، ۲۲۰-۲۳۵.
۹. پوریانی، عباس؛ ذنکوب، ابوالفضل؛ زارعی، سمندگان علی، ۱۳۹۹، وضعیت خاص و استثنائی دعاوی طاری در مرحله تجدیدنظر با نگاهی به حقوق فرانسه، فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۳(۴۹)، ۳۳۵-۳۵۶.
۱۰. عزیزبانی، مجید ره؛ پیک، سیامک، ۱۴۰۱، تفاوت فرآیندی دعوا جلب ثالث اصلی و تبعی در مرحله بدوی و تجدیدنظر در حقوق ایران و فرانسه، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۶(۲)، ۱۲۷-۱۴۵.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۰، حقوق مدنی - بخش عمومی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۲. احمدی، خلیل، ۱۳۹۹، شرایط اقامه دعوای ورود شخص ثالث در حقوق ایران و قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا. مطالعات حقوقی، ۱۲(۲)، ۱۵-۳۰.
۱۳. امینی، علی، ۱۳۹۵، ورود ثالث در آیین دادرسی مدنی، ایران: تحلیل حقوق تطبیقی، مجله حقوق تطبیقی، ۳(۱)، ۵۰-۷۵.
۱۴. محمدی، اکبر، ۱۳۹۷، ورود ثالث و کاربرد آن در دعوای ملکی. مجله علمی حقوق ایران، ۱۰(۴)، ۲۴۵-۲۷۰.
1. Hazard, G. C., Fletcher, W. A., Bundy, S., & Bradt, A. (2021). Civil procedure (7th ed.). New York, NY: Foundation Press.
2. Zuckerman, A. (2021). Zuckerman on civil procedure: Principles of practice (4th ed.). London: Sweet & Maxwell.
3. Friedenthal, J. H., Kane, M. K., & Miller, A. R. (2015). Civil procedure (5th ed.). St. Paul, MN: West Academic Publishing.
4. Bone, R. G. (1989). Mapping the boundaries of a dispute: Conceptions of ideal lawsuit structure. Columbia Law Review, 89(1), 1-77.